

دانشگاه الزهرا
۷ اسفند ۱۳۹۲

عوامل رقیب در گوناگونی نحوی زبان فارسی

محمد راسخ مهند

rasekh@basu.ac.ir

نقشگرایی / صورتگرایی

- صورتگرایی: دستور زبان مستقل است.
- نقشگرایی: دستور زبان وابسته به عوامل خارج از زبان است.

تبیین

- تبیین درون زبانی
- تبیین برون زبانی

عوامل رقیب یعنی چه؟

- عواملی که خارج از حوزه دستور قرار دارند.
- مهمترین تبیینهای نقشی/عوامل رقیب از دید نقشگرایان:
- نشاننداری،
- تصویرگونگی،
- اقتصاد زبانی،
- بسامد،
- عوامل کلامی،
- دستوری شدگی
- پردازش

نشان‌داری

- شروع در واجشناسی با آرای یا کوبسن و تروبتسکوی
- نشان‌دار و بی نشان در معنای معمولی و غیرمعمولی
- نشان‌داری رده شناختی
- نشان‌داری حاصل رقابت دو عامل نقشی: تصویرگونگی و اقتصاد

تصویر گونگی

- عدم یکدستی در زبانها حاصل چیست؟
- تعریف تصویر گونگی
- نمونه ای از تصویر گونگی فاصله:
- (۱) الف. احمد باعث شد که سربازها بدونند.
- ب. احمد سربازها را دواند.

اقتصاد

- اصل اقتصاد زبانی
- نمونه ای از برتری اصل اقتصاد:
- ۲. «دیروز به دانشگاه رفتم»
- یا استفاده از شناسه صفر در سوم شخص مفرد

رقابت تصویر گونگی و اقتصاد

- هم معنایی کامل (-تصویر گونگی / -اقتصاد)
- تک معنایی (+تصویر گونگی / -اقتصاد)
- چندمعنایی (+تصویر گونه / +اقتصاد)
- هم نامی (-تصویر گونه / +اقتصاد)

بسامد

- بسامد متنی
- بسامد به جای تصویر‌گونه‌گی
- چرا بسامد، تصویر‌گونه‌گی و اقتصاد زبانی مهم هستند؟

عوامل کلامی

- اطلاع کهنه و اطلاع نو
- اصل اطلاع کهنه قبل از اطلاع نو

دستوری شدگی

- دستوری شدگی فرایند ساختن دستور است.

پردازش

- پردازش: یعنی کارآیی بالاتر به معنی پیچیدگی کمتر

چند نمونه از فارسی

- بر اساس رقابت تصویرگونگی، اقتصاد و بسامد (یعنی در کل اصل نشاننداری)
- ۱. پیدایش افعال دوگانه
- ۲. حذف به قرینه
- ۳. ساخت ملکی

۱. پیدایش افعال دو گانه

- الف. بیا بگیر بشین بینم چی می-گی.
- گرفت خوابید روی تخت.
- ب. نامه را گرفت پاره کرد.
- گرفت بچه را زد.
- گرفت علی را بوسید.
- بگیر غذات رو بخور.
- بگیر این گوشت را ببر.
- ج. عمرم تمام شد رفت.
- علی مُرد رفت.
- خانه را فروختم رفت.

- د. بیا آدم شو.
- بیا ازدواج کن.
- بیا توبه کن.
- اومدم بخوابم دیدم در می-زنند.
- ه. این تزت را بشین بنویس.
- این مقاله را بشین بخون.
- و. با احمد دعوام شد گذاشت رفت.
- ز. دوستم برگشت گفت به تو مربوط نیست.

- افعال دوگانه ای که با فعل «گرفتن» ساخته می شوند، معنای «شروع عمل، غیرمنتظره بودن و ناگهانی بودن» را در خود دارند:
- الف. نامه را گرفت پاره کرد؛
- ب. بگیر بشین؛
- ج. احمد زود گرفت خوابید؛

- در این جملات، «رفت» معنای نمود تکمیلی دارد. یعنی به اتمام عمل اشاره می-کند. در این موارد، فعل «رفتن» پس از فعل اصلی می-آید:
- الف. عمرم تمام شد رفت.
- ب. علی مُرد رفت.
- ج. خانه را فروختم رفت.

- در این جملات فعل « رفتن » معنای « شروع کردن، یا قصد کردن » دارد:
- الف. برو استغفار کن.
- ب. برو درس بخون تا کنکور قبول شی.
- ج. برو بخواب.

- فعل «آمدن» نیز به معنای «شروع کردن و قصد کردن» باشد؛ مانند «خانم آمد بر قصد پاشنه کفشش درآمد»، یا «آمدم خیار پوست بکنم تُک چاقو رفت تو دستم» (نجفی ۱۳۷۸: ۳۸).
- **نشستن** به معنی «مشغول شدن به کاری یا شروع کردن کاری» است.
- الف. بشین درست را بخون.
- ب. کمی بشین فکر کن.
- ج. این تزت را بشین بنویس.

- (۶۹) سر راه یک بزغاله گیر آورد، گرفت سرش را برید.
- (۷۰) با نیاکان بزرگوارشان خدانگهداری کردند و راهشان را گرفتند و رفتند.
- (۷۱) در زنگهای موسیقی، حسن عین چوب خشک می گرفت می نشست.

- اما چرا زبان فارسی از این افعال، «گرفتن، آمدن، رفتن، نشستن، برگشتن، گذاشتن»، برای این کار استفاده می-کند؟ مثلاً چرا با افعالی مثل «خندیدن، رقصیدن، خواندن، خوابیدن» و نظایر آن فعل دوگانه ساخته نمی-شود؟
- پاسخ: اینها فعل حرکتی هستند.

- اما چرا افعال حرکتی این ویژگی دارند؟
- شاید بتوان دو دلیل نقشی عنوان کرد که باعث می شود افعال حرکتی در ساخت فعل دوگانه بیشتر دیده شوند یا به عبارتی وارد فرایند دستوری شدگی شوند. یک دلیل **مفهومی** و یک دلیل **بسامدی**.

- «معنای زمانی که در نهایت در ساخت نشانه آینده غالب می شود، از ابتدا در معنای مکان و فضای این افعال قابل استنباط است. یعنی وقتی شخصی مسیری را برای رسیدن به مکانی طی میکند، در واقع در زمان حرکت میکند. تغییری که در دستوری شدگی فعل حرکتی برای اشاره به زمان روی میدهد این است که بعد مکانی حذف میشود» (بایبی و دیگران ۱۹۹۴: ۲۶۹)

- دوبوا (۱۹۸۵: ۳۶) عنوان می-کند «هر کاری را که سخنگویان بیشتر انجام می-دهند، دستور زبان بهتر رمزگذاری میکند».

۱۸۰۶۷۵ بودن (۱)	۱۴۰۱۳۶ کردن (۲)	۱۱۷۷۷۹ شدن (۳)	۶۶۰۵۸ داشتن (۴)	۴۲۰۵۹ دادن (۵)
۳۶۸۴۳ گفتن (۶)	۲۵۹۳۴ گرفتن (۷)	۲۳۲۶۰ توانستن (۸)	۲۰۲۷۹ بایستن (۹)	۱۳۴۶۹ آمدن (۱۰)
۱۲۲۳۳ رسیدن (۱۱)	۱۱۷۳۶ یافتن (۱۲)	۱۱۲۲۰ رفتن (۱۳)	۱۰۷۰۸ نمودن (۱۴)	۹۳۰۵ دانستن (۱۵)
۹۲۰۵ افزودن (۱۶)	۸۳۹۷ آوردن (۱۷)	۸۲۹۵ دیدن (۱۸)	۷۹۵۱ ساختن (۱۹)	۷۳۴۱ خواستن (۲۰)

جدول ۷-۲. بیست فعل پربسامد زبان فارسی

۲. حذف به قرینه

F	E	D	(&)	C	B	A
[علی]	[کشاوری را]	[دوست دارد]	(و)	[احمد]	[دامپروری را]	[دوست دارد].

حذف سازه D در فارسی اجباری است.

- (۱۵) الف. * احمد گلها را کاشت و او برگها را جمع کرد.
- ب. احمد گلها را کاشت و (-) برگها را جمع کرد.
- حذف دو سازه C و F و E اختیاری است، و حذف آنها به طبیعی تر شدن جمله کمک میکند:
- (۱۶) الف. احمد گل مریم را چید و علی گل رز را چید.
- ب. احمد گل مریم را (-) و علی گل رز را چید.
- ج. احمد گل مریم را چید و علی گل رز را (-).
- (۱۷) الف. احمد گلها را کاشت و علی به گلها آب داد.
- ب. احمد گل-ها را کاشت و علی (-) آب داد.

● برخلاف موارد بالا، حذف به قرینه از جایگاههای A و B در زبان فارسی ممکن نیست:

● (۱۸) الف. علی گل مریم را چید و (*او) آنها را تزئین کرد.

● ب. *(-) گل مریم را چید و او آنها را تزئین کرد.

● (۱۹) الف. احمد گلهای مریم را چید و علی گلهای مریم را تزئین کرد.

● ب. *احمد (-) چید و علی گل-های مریم را تزئین کرد.

سلسله مراتب دسترسی برای حذف به قرینه

$$A > B > \left\{ \begin{array}{c} C \\ F > E \end{array} \right\} > D$$

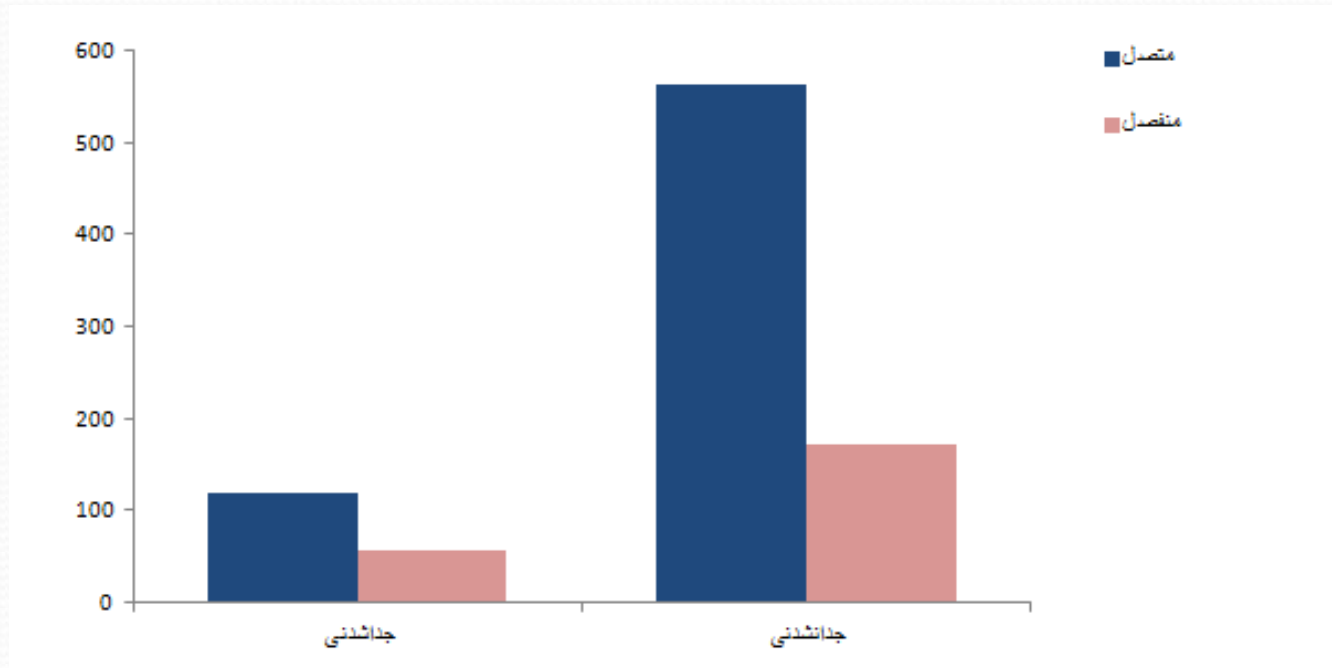
- اما پرسش مهم-تر این است که چرا زبانها همگی اجازه حذف از جایگاه D را میدهند، اما برای جایگاههای دیگر، بویژه A و B، محدودیت بیشتری قائل هستند. پاسخ به این پرسش ما را به یک تبیین نقشی میرساند.

- اصل اقتصاد زبانی: اولین نکته این است که جمله در واقع پیامی است از سوی گوینده به شنونده. از نظر گوینده جملات دارای سازه محذوف ارجح هستند، زیرا او کلمات کمتری را تلفظ میکند؛
- تصویرگونی: اما از حیث شنونده، جملاتی که سازه محذوف ندارند بهتر هستند، چون او نباید برای بازیابی کلمات محذوف تلاش بیشتری کند.
- پس در واقع حذف به قرینه را باید بر اساس ارتباط و کارکرد آن تبیین کرد و در آن کشمکش بین دو عامل تصویرگونی و اقتصاد دیده میشود.
- حال اگر فرض کنیم در این معادله، منافع شنونده ارجح هست؛ چون به هر حال باید پیام منتقل شود، میتوان انتظار داشت که جایگاههایی که میتوان حذف کرد، باید کمترین مشکل را برای شنونده ایجاد کند.

F E D (&) C B A

[علی] [کشاورزی را] [دوست دارد] (و) [احمد] [دامپروری را] [دوست دارد].

۳. ساخت ملکی



نتیجه گیری

- “Grammars code best what speakers do most” (Du Bois 1985:363).
- Form follows function.